

حدود آزادی در تربیت

۱

دکتر علی قائمی امیری - تهران

لطمه وارد آمده و گرفتار عقده روانی خواهد شد در نتیجه رشد جسمی، روانی و فکری او متوقف می شود. طرفداران این نظر آنچنان در باره آزادی مطلق کودک تبلیغ میکنند که حتی کار را به هرچو مرج میکشاند.

گروهی دیگر عقیده دارند، که کودک باید شدیداً تحت کنترل و انضباط باشد و کاری جز براساس نظر مربی انجام ندهد، باید حالت دفاعی در او سرکوب شده و مقاومتش در برابر مسائل درهم بشکند تا حالت تسلیم و سکون در او پدید آمده تابعیت از قوانین و نظامات را بپذیرد.

پیش از آنکه نظر گروه سوم را بگوئیم به ارزیابی دونظر فوق پرداخته

بحث مربوط به آزادی و ابعاد آن در فلسفه و مکاتب بحثی است وسیع و پر دامنه و آراء و عقاید در آن زمینه مختلف و متنوع است. در علم تربیت نیز از آن بحث به میان آمده و دانشمندان درباره آزادی و حدود آن سخنان گوناگونی گفته اند. آنچه که درباره آزادی کودک از نظر تربیت آمده است لافل سه نظر است گروهی معتقدند که تمایلات و خواسته های درونی کودک بهترین راهنمای او به سوی سلامت تن و روان و سعادت آینده کودک است.

بدین سان طفل در انجام خواسته ها و تمایلاتش باید آزاد باشد و هرچه را که خواست و هوس کرد باید بتواند انجام دهد، وگرنه بروحیه اش

انجام وظایف شانه خالی کند، در فعالیت‌های جمعی شرکت نکند و دیگران را مورد آزار قرار دهد و...

در مورد محدودیت مطلق کودک نیز معتقدیم نه ممکن است و نه بصلاح او و جامعه‌اش. امکان پذیر نیست از آن بابت که آزادی منشاء فطری و درونی دارد و جلوگیری و محدود کردن آن گاهی موجب مقاومت‌ها، طغیان‌ها و لا اقل سرخوردگی‌ها می‌گردد.

بعلاوه آزادی از ویژگی‌های انسان و موجبی برای انتخاب و اختیار اوست تکامل و تعالی انسان و ارزش تلاش و فعالیت او تا حدود زیادی بستگی به آزادی او دارد انسان تا آزاد نباشد قدر کار و شرافتش معلوم نمی‌شود و برای رفتار اجتماعی و اعمال مذهبی ارزشی و قیمتی نیست.

محدودیت مطلق بمصلحت فرد و جامعه نیست از آن بابت که بر اثر انضباط شدید نیازهای کودکان نادیده گرفته شده و امنیت روانی‌شان دچار خطر می‌شود، و در نتیجه او زندگیش راهمیشه آشفته و متزلزل خواهد دید بررسی‌های روانشناسان نشان داده است که محدودیت شدید کودکان بتناسب و براساس موارد مختلف عوارضی چون بی‌حالی، سستی، گوشه‌گیر، خودسری، مقاومت تجاوز، تسلیم بی‌حساب، بی‌علاقگی نسبت

و جنبه امکان و مصلحت آن را مورد بررسی قرار میدهیم و یادآور میشویم که:

آزادی مطلق و بی‌بند و بار نه امکان پذیر است و نه در صورت امکان به مصلحت فرد و جامعه.

امکان پذیر نیست از آن بابت که تمایلات و هوسهای افراد در خانه و اجتماع مکرر گوناگون و متفاوت است و آزادی هر کدام در اعمال و خواسته‌ها و اجرای تمایلات موجب دوگونگی و چندگونگی عمل و نتیجه آن پیدایش تضاد و تعارض است.

فی المثل اگر بخواهیم آزادی بی‌قید و شرط کودکی را در خانه بپذیریم بالتبع باید اجازه دهیم که مصالح و منافع دیگران نادیده گرفته شده و اعضای خانواده بحساب نیایند.

اما اینکه آزادی بی‌قید و شرط به مصلحت نیست زیرا بی‌آمدهای آن به مراتب سخت‌تر و تلخ‌تر از اختلالاتی است که در اثر محدودیت‌های شدید در زمینه آزادی پدید می‌آید. تمایلات و خواسته‌های شخصی، آدمی را به سوی گمراهی و فساد سوق داده غلام حلقه بگوش‌غریز و شهواتش خواهد ساخت و در سایه این آزادی خود را مجاز می‌یابد که مصالح دیگران را فدای منافع خود بخواهد از پذیرش مسئولیتی که بنظرش دشوار و نامطبوع می‌آید سرباز زند، از

دارای جسم و جانی سالم و اندیشه ای روشن و پرورده باشند ، برای وصول با اهداف انسانی خوب نقشه بکشند برای حل دشواری‌ها راه‌های مختلف در نظر بگیرند از امکانات گوناگون برای وصول به اهداف استفاده برند ، نیکو تصمیم بگیرند و نیکو عمل کنند و در مواجهه با فرهنگ یا نظریه‌های جدید صاحب نظر باشند ، قدرت انتخاب داشته و در انجام اعمال و رفتار ، مختار باشند دارای صراحت لهجه و اخلاقا شجاع باشند .

بتوانند خود را از پای بندی به ارزشهای دروغین رهائی بخشند ، مقید به مرز و قانونی باشند خود را از هرگونه بندگی جز بندگی خدا رها کنند و ...

برای وصول به این اهداف ، آدمی باید آزاد باشد پس غرض از آزادی در برپیت دادن امکانات لازم برای وصول به هدف کمال یا گام برداشتن در مسیر تعالی و رشد است .

کودک باید آزاد باشد ، تا از آن برای حفظ و تمامیت وجودی خود اقدام کند نه برای تاخت و تاز غرائز . باید به او آزادی داد تا نیروی کافی و اختیار برای انجام وظیفه انسانی داشته باشد نه آفریدن فاجعه .

براین اساس آزادی کودک مشروط و همدار است و آنجا که آزادی در خلاف مسیر هدف قرار گیرد او محدود خواهد

به جهان ، ترس ، دروغ بافی ، بهانه گیری شکست در تحصیل و ... پدید می‌آورد . و زندگی بردگی برای او نصیب می‌کند چه بسیار کودکان محدود که هرگز به مرحله رشد و استقلال نرسیده اند و در زندگی اجتماعی دنباله رو و تسلیم بوده اند ، آنچنان که طرز فکرشان به تقلید از دیگران ، گام شان در طریق مصالح دیگران و روش زندگی شان حاصل تحمیلات فرهنگی دیگران بوده است .

خطر بزرگتر که از این محدودیت و انضباط ناشی میشود اینست که کودک بعدها قدرت مقابله با تضادها و دشواری‌ها را از دست خواهد داد و قادر به حل مسائل ، رفع و دفع تضادها مقابله با مشکلات و موانع نخواهد بود . این‌گونه کودکان از لحاظ فکری عمری برده و فلج اند و جامعه باید سرپرستی شان را عهده دار گردد .

برای اینکه ببینیم چه نوع آزادی باید به کودک داد ، نخست باید دید که چه هدفی از تربیت داریم و کودکان را برای وصول به چه اغراضی می‌پروریم ؟

نظریه سوم :

هدف ما از تربیت کودکان پرورش افرادی است که بتوانند در حال و آینده مفید بحال خود و جامعه باشند

بود و این نظر سوم، درباره آزادی کودکان از نظر علمای تربیت است.

اینکه دادن آزادی به کودکان ضروری است از آن بابت است که در سایه آن مسأله اختیار شکل می گیرد و از سوی دیگر کنترل و محدودیت آن هم ضروری است از آن جهت که در سایه آن سلامت و سعادت همه جانبه کودک تأمین می گردد زندگی نوعی داد و ستد است و در این داد و ستد رعایت همه ابعاد و جوانب و شئون دو طرف معامله بایسد بشود در عین اینکه فرد آزاد است، آزادی او نباید امنیت و اختیار دیگران را بخطر افکند.

بدین بیان که تصویر شد سیر تربیت در جنبه آزادی، سیری است بین دو قطب آزادی مطلق و محدودیت و انضباط شدید.

بررسی برنامه های تربیتی اسلام نشان می دهد که روش تربیتی اسلام با این نظریه منطبق می باشد یعنی آزادی محدود البته معنی محدودیت آن نیست که نیازهای اصیل جسمی و روانی کودک را نادیده بگیریم و یا به او مجال اندیشیدن و تفکر، تمرین آزادی و آزادی ندهیم هدف این نیست که در سایه این محدودیت تمایلات فطری و غرائز او را نادیده بگیریم و یا آن را سرکوب کنیم بلکه غرض آنست که به طفل آزادی مطلوب دهیم آن آزادی که بر اساس

ضرورت یا رفع نیازی باشد.

بدین سان تربیت یافته اسلامی آزاد است، آزاد بدان معنی که ناگزیر نیست تن به دناات ها و رذالت ها دهد و یا امری را که خلاف قوانین و نظامات اندیشیده است مرتکب شود او در عین آزادی خود را تابع قانون حق می داند، تلاشش در چهار چوب آن و جولانگاهش در آن حد و مرز است شک نیست که برای وصول به چنین هدفی از زمینه های چون پرورش عقل و اراده، تربیت فکر، دادن حق انتخاب، واگذاری مسؤلیت، معاشرت و بازی با او، ذکر داستان، تشبیه و تشویق باید استفاده کرد.

والدین و مربیان را در طریق وصول بدین اهداف، آگاهی و هشاری بسیار لازم است آنان باید مراقب باشند که امر و نهی های خود را تا حدود زیادی تعدیل و کنترل های خود را عاقلانه کنند و اگر صاحب نظران، تربیت را از یک دیده " هنر " میدانند بدان جهت است که در آن ظریف کاریهایی اینچنین مطرح است و انجام آن از هر کسی ساخته نیست آنچه ما در این سلسله بحث ها تعقیب خواهیم کرد بررسی گسترده تر ابعاد مسائل فوق و زمینه های مربوط به حدود آزادی در تربیت است بدان امید که ما را دیدی نافذتر در امر تربیت فرزندان حاصل شود، و گام مادر طریق پرورش کودکان، اندیشیده تر گردد. ●